



حسن پویا

معاون پژوهشی موسسه نشر آثار امام خمینی (ره)

چکیده

قرآن کتاب روشنی و روشنی آفرین، کتاب زندگی و زندگان، با انسان سخن می گوید و او را با فرازو فرود خود، بالا و پایین می برد.

امامان معصوم (ع) که ناطقان به حق قرآن کریم اند، در توصیف و تفسیر این کتاب عظیم کم نگذاشته اند و در فرصت های مناسب به تبیین معارف آن پرداخته اند.

امام سجاده (ع) در دعای ۴۲ صحیفه سجادیه، که به عنوان «دعای ختم قرآن» از آن بزرگوار نقل شده است، به بیان حقایق این صحیفه نورانی الهی پرداخته و با مدد از کتاب خدا، به بیداری انسان ها همت گمارده است.

در این مقاله مختصر به توضیح و بیانی از این دعای عظیم الشان درباره قرآن و معارف آن پرداخته شده، تا چراغ راهمان در انس با قرآن و صحیفه سجادیه آن حضرت باشد. ان شاء الله.

مقدمه

صحیفه سجادیه، کهن ترین میراث به جای مانده از قرن های نخستین اسلام است^۱، که در آن مجموعه ای از دعاها و آیات امام زین العابدین، حضرت سیدالسادین (ع) جمع آوری

شده است .

این کتاب عظیم الشان از آغاز تا کنون، مورد توجه عالمان اسلامی به ویژه بزرگان شیعه بوده است . تا آن جا که از آن به عنوان زبور آل محمد و انجیل اهل بیت نام برده اند .^۲ امام سجاد(ع)، در میان ائمه(ع) در تاریخ ترین دوران زندگی می کرد، زیرا حکومت جائزانه بنی امیه، با حاکمیت یزید بن معاویه بر سرنوشت مسلمانان به اوج خود رسید و زور و زور و تزویر به معنای واقعی کلمه بر مردم حاکم گشت . وی با به شهادت رساندن حسین بن علی(ع) و نیز هجوم به شهر مدینه الرسول و کشتن اصحاب پیامبر و تابعین و همچنین شکستن حرمت ناموس مسلمین، که تا آن روز سابقه نداشت و سپس به منجیق بستن خانه خدا و محاصره مکه، و بازی گرفتن دین خدا و اعلان علنی جنگ علیه اسلام و بی حرمتی به اعتقادات دینی مردم و توهین به وحی پیامبر خدا(ص)، اوج چهره خشونت را به مردم نشان داد .

این خشونت ها که به نام دین، از زمان معاویه آغاز شده بود و با تزویر و حيله او مردم به سکوت نشسته بودند، در زمان یزید، به خوبی پدیدار گشت و زمینه را برای خلفای زورگو و ستمگر بعدی فراهم ساخت، تا آنجا که عبدالملک مروان در مدینه می گوید:

من نه چون خلیفه به ذلت کشیده شده «عثمان»، و نه چون خلیفه سهل گیر «معاویه» و نه چون خلیفه سست اندیش و بی خرد «یزید» هستم . بلکه من این مردم را با شمشیر به جای خود می نشانم .^۳

مرحوم دکتر سید جعفر شهیدی آن دوران را چنین ترسیم می کند:

از سال سی ام هجری خانواده هایی از اشراف قریش که درآمد کلان از خزانه دولت داشتند و از بخشش های خلفا نیز فراوان بهره می گرفتند، به ثروت اندوزی پرداختند . بالارفتن رقم ثروت و خرید ملک ها و مستغلات، آنان را به زندگی پر تجمل و افزون بر وسایل آسایش کشاند و در این باره با یکدیگر به هم چشمی برخاستند، کنیزان و غلامان بسیار خریدند، بخصوص کنیزانی که در فن موسیقی و خوانندگی بهره ای داشتند . اندک اندک دیگر مردم نیز در این کار به آنان اقتدا کردند . قتل عام زن و مرد در واقعه حره و تجاوز به حرم مسلمانان که تا آن روز در جهان اسلام سابقه نداشت، مردم شهر را دگرگون ساخت . ثروتمندان، سرکوفته و بی اعتنا به مقررات

دینی و اخلاق اسلامی به می‌گساری و شنیدن آواز خنیگران روی آوردند.^۴
امام سجاد(ع)، در این یک چنین جامعه‌ای به امامت می‌رسد و باید تدبیری بیاندیشد تا به وظایف خود به خوبی عمل نماید. امام برای انجام وظیفه الهی که بر دوش او نهاده شده، به فعالیت بر می‌خیزد و در قالب‌های گوناگونی، آنها را محقق می‌سازد:

۱. پیام‌رسانی حماسه کربلا

۲. دفاع از حقوق مردم

۳. رسوا سازی حاکمان جور

۴. پرورش انسان‌های صالح

۱. پیام‌رسانی حماسه کربلا: خاندان بنی‌امیه در صدد محو آثار کربلا و شهادت فرزند پیامبر(ص)، حسین بن علی(ع) بودند و تلاش می‌کردند تا این غائله‌ای که بر پا کرده بودند به خاموشی گراید و فراموش شود و به گمان خود آن را خاتمه یافته تلقی می‌کردند. اما امام زین العابدین(ع) و حضرت زینب کبری(س)، به عنوان پیام‌رسانان کربلا، در هر جا که موقعیتی فراهم می‌گشت به بیان مصائب و ابعاد مختلف این حماسه بزرگ تاریخ بشریت می‌پرداختند. و بعد از سخنرانی کوفه و شام، در هر اجتماعی که از مسلمانان می‌یافتند و از هر راهی که بیان آن مسائل ممکن بود، استفاده می‌کردند و از راه‌های گوناگون مانند نگریستن در آب، دیدن سر بریدن گوسفند و مانند آن بهره‌برده و آن مصائب را به گوش مردم می‌رساندند، و این گونه بود که تاریخ حسینی در تمام روزگاران جاودانه ماند.

۲. دفاع از حقوق مردم: در عصری که، عصر زورمداری و حاکمیت تزور و نیرنگ و فشار بر شانه مردم بود، امام سجاد(ع) با بیان حقوق آنان و تاکید بر حقوق متقابل بین مردم و خدا، مردم با یکدیگر، حکومت و مردم، استاد و شاگرد، زن و مرد، فرزند و پدر و مادر، به بیداری مردم در این زمینه پرداخت و رساله حقوق امام سجاد(ع) در این باره بیان‌کننده ابعاد مختلف این مسئله است.

۳. رسوا سازی حاکمان جور: بخشی از تلاش‌های امام سجاد(ع) در بیان مصائب اهل بیت پیامبر(ص)، بیان رسوایی‌های حکومت بنی‌امیه و حاکمان آنهاست. امام(ع) با بیان خود در موارد مختلف بویژه در مسجد اموی و مقابل چشمان مردم، از جور و ستم بنی‌امیه و یزید سخن می‌گوید و آنان را رسوا می‌سازد و از راه جدش رسول خدا(ص) و پدرش

حسین بن علی (ع) و سیره آنان دفاع می کند.

۴. پرورش انسانهای صالح: امام سجاده (ع)، در جهت اصلاح مردم، وقتی همه راهها را بسته می بیند، با استفاده از قالب دعا و نیایش، حقایق اسلام را به مردم می رساند و آنان را در طریق هدایت به سوی خداوند متعال راهنمایی می فرماید. و یا با خرید بنده های فراوان و تعلیم و تربیت آنان و سپس بهانه جویی برای آزادی آنان، در هر سال به مناسبت های مختلف بنده های آموزش دیده و خودساخته را آزاد می کرد. بنده هایی که در خانه امام سجاده، در طول یکسال تعلیم دیده و تربیت شده بودند و اکنون به مناسبت عید فطر همه آنها در راه خدا آزاد می شدند، در حالی که هریک از آنان مبلغی ساخته شده برای بیان حقایق دین در حکومت خفقان اموی بودند.

در هر حال اصلاح مردم و جامعه و ساختن انسان های صالح، گرچه به صورت آشکار و عمومی برای امام سجاده (ع) امکان پذیر نبود، لکن بهره مندی آن حضرت از فرصت ها، بیشترین تأثیر را در جامعه بسته و تاریک آن روز برجای گذاشت.

گذری بر زندگی و شخصیت امام سجاده (ع)

امام علی بن حسین بن علی بن ابیطالب معروف به سیدالسادین (ع)، چهارمین امام معصوم از امامان شیعه است که در روز پنجم شعبان سال ۳۸ هـ. ق، در شهر مدینه الرسول، دیده به جهان گشود. پدرش حسین بن علی (ع) امام سوم شیعیان و مادر بزرگوارش شهربانو می باشد. ۵

امام سجاده (ع) بعد از واقعه کربلا، از سال ۶۱ تا ۹۵ هـ. ق امامت مسلمین را به مدت ۳۴ سال به عهده داشت و عاقبت در سن ۵۷ سالگی در روز ۱۲ محرم الحرام توسط ولید بن عبدالملک مسموم و به شهادت رسید.

در تاریخ اسلام درباره شخصیت امام سجاده (ع)، نکات فراوانی بیان شده که به برخی از آنها اشاره می کنیم. در تاریخ یعقوبی آمده است:

كان أفضل الناس و أشدهم عبادة، و كان يسمي زين العابدين... و لما غسل وجد على كتفيه جلب كجلب البعير، فقيل لأهله ما هذه الآثار؟ قالوا: من حملة الطعام في الليل يدور به على منازل الفقراء. ۶

امام سجاده^(ع) با فضیلت‌ترین مردم و مشتاق‌ترین آنان در عبادت بود، و وی رازینت عبادت‌کنندگان می‌نامیدند... چون ایشان را غسل می‌دادند بر شانه‌هایش پینه‌ای مانند پینه شتر یافتند. از خانواده‌اش علت را جویا شدند؟ فرمودند: از به دوش کشیدن همیان غذا در دل شب‌ها و گرداندن در کوچه‌ها و رساندن آن به خانه فقیران چنین گشته است.

شافعی در این باره می‌گوید:

وجدت علی بن الحسین و هو أفقه أهل المدينة.^۷

علی بن الحسین را دیدم، در حالی که او فقیه‌ترین مردم مدینه بود.

محمد بن سعد مورخ، در کتاب طبقات الکبری می‌گوید:

کان علی بن حسین یبخل، فلما مات وجدوه یقوت مائة اهل بیت بالمدينة فی السرّ. قالوا و کان علی بن الحسین ثقة مأموناً کثیر الحدیث عالیاً رفیعاً ورعاً.^۸ مردم فکر می‌کردند امام سجاده^(ع) بخیل است، وقتی از دنیا رفت، تازه مردم دانستند که حضرت، غذای صد خانواده فقیر مدینه را در پنهانی تأمین می‌کرده است. گفته‌اند: امام علی بن الحسین^(ع)، فردی مورد اطمینان و اعتقاد مردم بود، که احادیث فراوانی نقل می‌کرد. وی از جایگاهی بلند و عالی مرتبه برخوردار بود و پاکدامنی فوق العاده‌ای داشت.

شیخ مفید در ارشاد از ابن اسحاق نقل می‌کند:

در مدینه خانواده‌های فراوانی بودند که رزق و روزی آنان و آنچه نیازمند بدان بودند به در خانه‌هایشان می‌رسید و نمی‌دانستند از کجا آمده است، تا زمانی که امام سجاده^(ع) از دنیا رفت، آنگاه فهمیدند که آورنده آنها امام زین العابدین^(ع) بود.^۹ آنچه در این جا بیان کردیم، اشاره‌های مختصری به زندگی و شخصیت آن بزرگوار بود، که در تاریخ ثبت شده و موارد فراوانی نیز وجود دارد، که قابل ملاحظه و مطالعه می‌باشد.

صحیفه سجادیه

صحیفه سجادیه، کتابی است که از مجموعه دعا‌های امام سجاده^(ع) گرد آمده است. نیایش‌هایی که همچون همه دعا‌های ائمه معصومین^(ع) سرشار از معارف و حقایق معنوی و روحانی است و دارای ویژگی‌های هنری و زیبایی‌های لفظی و کلامی و آهنگی حزن‌انگیز، با لحن خوش و ملایم که شایسته عبد و مولا است.

این کتاب که به صورت دعا‌های موضوعی و متناسب با ایام و موضوعات خاص است، از آرایش ظاهری و واژگانی متناسب با آنچه برای آن بیان شده، برخوردار است. از این روست که این کتاب گران‌سنگ و پرمایه را «اخذ القرآن»^{۱۰} و «انجیل اهل بیت»^{۱۱} و «زبور آل محمد»^{۱۲} و نیز «صحیفه کامله»^{۱۳} نامیده‌اند.

درباره صحیفه سجادیه یکی از کسانی که، به تمام و کمال سخن گفته و آن را با عالی‌ترین تعبیرات و پر محتواترین وجه ترسیم و توصیف کرده، امام خمینی^(ره) است:

صحیفه سجادیه، نمونه کامل قرآن صاعد است، و از بزرگ‌ترین مناجات عرفانی در خلوتگاه انس است، که دست ما کوتاه از نیل به برکات آن است. آن کتابی است الهی که از سرچشمه نور الله نشأت گرفته و طریقه سلوک اولیای بزرگ و اوصیای عظیم الشان را به اصحاب خلوت گاه الهی می‌آموزد.

کتاب شریفی است که سبک بیان معارف الهیه اصحاب معرفت را، چون سبک قرآن کریم، بدون تکلف الفاظ، در شیوه دعا و مناجات برای تشنگان معارف الهیه بیان می‌کند.

این کتاب مقدس چون قرآن کریم، سفره الهی است که در آن، همه گونه نعمت موجود است و هر کس به مقدار اشتهای معنوی خود از آن استفاده می‌کند. این کتاب همچون قرآن الهی ادق معارف غیبی که از تجلیات الهی در ملک و ملکوت و جبروت و لاهوت و ما فوق آن حاصل می‌شود، در ذهن من و تو نیاید و دست طلبکاران از حقایق آن کوتاه است. به شیوه خاص خود قطراتی که از دریایی بی‌کران عرفان خود می‌چشاند و آنان را محو و نابود می‌کند.^{۱۴}

شرح کلام امام خمینی^(ره) فرصت دیگری می‌طلبد، که به آن پرداخته شود. نام‌گذاری

«قرآن صاعد» بر صحیفه سجّادیه ، که مناجات خلق با خالق و گفتگوی انسان با خداست ، مناجات خلوت گاه انس و عشق ، سرچشمه گرفته از نور خدایی ، نشانگر راه سالکان و اولیای بزرگ خدا ، بیان کننده معارف در قالب الفاظ رسا و روان ، سفره گسترده الهی همچون مائده بزرگ قرآن ، تجلّی خداوند در کلام انسانی عظیم و الهی یعنی امام زین العابدین حضرت سیدالسادین(ع) ، کلماتی که به ذهن و زبان بشر عادی نیامده و نخواهد آمد ، هر یک از این حقایق شایسته شرح و تفسیر است ، که با شواهدی از صحیفه سجّادیه کامل خواهد شد .

نگاهی به دعای ۴۲ صحیفه سجّادیه

این دعای عظیم الشان و پرمحتوا با عنوان «وکان من دعائه علیه السلام عند ختم القرآن» در جایگاه چهل و دومین دعای صحیفه سجّادیه قرار گرفته است .

با نگاهی به صحیفه سجّادیه ، مطالبی درباره قرآن مشاهده می گردد مانند اشاراتی که در دعاهای ۴۴ ، ۴۵ ، ۴۷ ، ۴۸ و ۵۲ وجود دارد . در برخی موارد به حقیقت قرآن اشاره دارد و در برخی دیگر به مهجوریت قرآن و توجه نکردن به حقیقت و محتوای کتاب خدا و عمل نکردن به دستورات آن پرداخته است . چنانکه در دعای بلند و عرفانی عرفه می فرماید :

ولاتجعلنی للظالمین ظهیراً و لا لهم علی محو کتابک یداً و نصیراً .^{۱۵}

بارالها من را پشتیبان و کمک کار ظالمان و ستمگران قرار مده ، و نیز مرا در نابودی و محو کتابت ، یاری دهنده و بازوی آنان قرار مده .

دعای ۴۲ صحیفه سجّادیه از ۱۶ فراز اصلی که با «اللهم» آغاز می شود تشکیل شده ، که اکثر آنها با درود بر محمد و آل او ، همچون بسیاری از دعاهای دیگر آن حضرت آغاز می شود . در این مجموعه فرازها به مطالب ارزشمند و قابل توجهی اشاره می نمایند ، از جمله :

- ۱ . توفیق ختم قرآن از طرف خداوند
- ۲ . توصیف کتاب خداوند
- ۳ . درخواست یاری ، جهت پاسداشت و نگهداری کتاب خدا
- ۴ . توجه به داشتن قرآن و بهره گیری از دانش های آن
- ۵ . توجه به تصدیق قرآن ، به عنوان کلام الهی و باور آن

۶. پناه جویی از قرآن در حوادث و چنگ زدن به آن
 ۷. بهره مندی از قرآن برای رسیدن به جایگاه‌های کرامت و انسانیت
 ۸. هدایت جویی از قرآن و بهره‌مندی از خصلت‌های نیکان توسط قرآن
 ۹. انس‌گیری با قرآن در دل شب‌های تاریک و دوری از وسوسه‌های شیطانی
 ۱۰. فهم شگفتی‌های قرآن و مثل‌ها و داستان‌های هشدار دهنده آن
 ۱۱. آراستگی ظاهری و باطنی یافتن با قرآن
 ۱۲. آرامش یافتن در آخرت، در پیشگاه خداوند متعال، هنگام عرضه اعمال
 ۱۳. برکت جویی از قرآن برای زندگانی آرام و نعمت فراوان
 ۱۴. تمسک جستن به قرآن برای دوری از صفات پست و حیوانی
 ۱۵. نجات یابی به کمک قرآن، از فرو غلتیدن در چاه کفر و نفاق و...
 ۱۶. آسانی جان‌کندن با توجه به قرآن، و آرامش یافتن از روزهای واپسین آن
 ۱۷. مبارک‌گشتن سرای باقی و آرامگاه ابدی، با همراهی و همدلی با قرآن
 ۱۸. رو سپیدی در روزی که تمامی ستمکاران و پشت‌کنندگان به قرآن سیه رویند.
 ۱۹. با عمل به قرآن زندگی مان را صفا بخشیدن و از رنج نجات دادن
 ۲۰. مقام پیامبر اسلام را به مقام قرآن و شفاعتش را به حق قرآن پذیرا بودن
 ۲۱. با همراهی با قرآن بنای رفیع دین او را فرازند کردن
 ۲۲. همراهی با قرآن و دین محمد را، با عمل به قرآن، استواری و دوام بخشیدن
 ۲۳. به رسانندگان پیام قرآن، به پاس حرمت پیام‌هایت، پاداشی شگفت عطا کردن و دهها نکته دیگر که به برخی از آنها با تفصیلی بیشتر اشاره خواهیم داشت.
- یکی از توصیفات که در زندگی نصیب انسان می‌شود، گشودن کتاب خدا و ختم آن است. این توفیق هر از گاهی رفیق انسان می‌گردد، بویژه در ماه مبارک رمضان که ماه نزول قرآن و بهره‌مندی از آن است. اکنون که یک بار دیگر قرآن را ختم نموده‌ایم با دعای ختم امام سجاد(ع) و توجه به مطالب بیان شده در آن، توجهی دیگری به آن‌چه خوانده‌ایم می‌نماییم. زیرا دیدگاه امام سجاد(ع)، در این نکات به عنوان دعای ختم قرآن نهفته است. در اولین فراف عرضه می‌دارد:

اللهم أعنتنی علی ختم کتابک؛ الذی أنزلته نوراً، وجعلته مهیماً علی کل کتاب

آنزله، و فضلته علی کل حدیث قصصه... ۱۶

خداوند بر تلاوت کتابی یاری ام دادی، که آن را نور و روشنایی قرار دادی، و آن را گواه همه کتاب‌های آسمانی دیگری نشاندی، و بر تمام کلمات و سخنان برتری بخشیدی. قرآن را جداکننده حلال و حرام و آشکارکننده احکام و وحی بر پیامبر قرار دادی. آن را نوری برای ظلمت زدایی و رهایی از جهالت و ترازوی عدالت و پرچم نجات بخش برای نشان دادن راه و دستاویز فرو نگلتیدن در ورطهٔ هلاکت قرار دادی.

تلاوت کننده قرآن، گاه برای ثواب صفحاتی و آیاتی را تلاوت می‌کند، ولی آنگاه که دل به قرآن می‌سپارد و در جستجوی گمشدهٔ خود می‌گردد، به کلمات امام سجاد(ع) می‌رسد که قرآن را نوری در تاریکی زندگی، ترازوی قسط و برابری و پرچم و علامت نجات بخشی و سخنی جاودانه و برتر بر همه کتب آسمانی دیگر، تا چه رسد به کلام بشری می‌داند. سخنی که هرکس بدان دست آویزد، هرگز به هلاکت نمی‌رسد، و منشاء هدایت و روشنی و بینا دلی^{۱۷} می‌گردد.

سپس مرحلهٔ بعد از قرائت قرآن را امام سجاد(ع) یاد آور می‌شوند، و آن پاسداشت و نگهداری از کلام خداست. از این رو به پیشگاه حضرت حق عرضه می‌دارد:

اللهم فإذ أفدتنا المعونة علی تلاوته، و سهلت جواسی السنننا بحسن عبارته، فاجعلنا ممّن یرعاه حقّ رعایته. ۱۸

بار خداوند، همان گونه که مرا بر تلاوت قرآن یاری دادی، و زبانم را بدان گویا ساختی، اکنون مرا از آنان قرار ده که در رعایت حرمت آن می‌کوشند.

وظیفه اصلی هر مسلمان حفظ و نگهداری از قرآن و معارف آنست، زیرا قرآن کتاب عمل و زندگی است، زنده نگهداشتن آن نیز به عمل به دستورات و فرامین آنست و الّا مصداق مهجور قرار دادن قرآن می‌شود که از زبان پیامبر اکرم(ص) در قرآن شریف شکوه می‌کند:

«و قال الرسول یارب انّ قومی اتّخذوا هذا القرآن مهجورا» (فرقان، ۳۱/۳۰)

امام سجاد(ع)، در این بخش دعا به نکتهٔ دیگری توجه می‌دهند که استاد محمدرضا حکیمی، آن را در ذیل عنوان «کتاب هنر و نوآوری» آورده و چنین ترجمه کرده‌اند:

خدایا! تو ما را بر خواندن قرآن یاری دادی، و زبان‌های گرفتهٔ ما را به عبارات

نیکوی آن باز کردی . ۱۹

در هنگامه شعر و شاعری و سخنوری که در عرب جاهلی متداول بود، قرآن با فصاحت و بلاغت تام و تمام خود، همه آن سخنان را کنار زد و به تعبیر امام سجاده^(ع) زبان بسته و لکنت دار مردمان را به زیبایی عبارات بدیع و نو، روان ساخت و هنر نوآوری خود را به ظهور رساند .

برتری امت محمد (ص)

در بیان عظمت کتاب خدا و پیام آور آن، امام سجاده^(ع) می فرماید :

خداوندا! تو قرآن را بدون هیچ شرح و تفصیلی بر پیامبرت فرستادی . و تمام دانش های شگفت آن را بی کم و کاست به او الهام کردی . و دانش تفسیر قرآن را برای ما به میراث نهادی .

وفضیلت و برتری ما را بر آنان که از این دانش بی بهره اند، عطا فرمودی . و توان شناخت قرآنت را به ما دادی تا بر آنان که توان حمل این کتاب را ندارند برتری و فضیلت بخشی . ۲۰

خداوند بزرگ ما را در دریای ناپیدا کرانه قرآن، و عمق ژرف آن رهنمون ساخته است و چنان بر ما منت نهاده که نبی مکرم اسلام، قرآن را برترین چیز، جز خدا می داند و می فرماید :

القرآن أفضل کل شیء دون الله . ۲۱

و در جای دیگر بر برخی خورده می گیرد که قرآن را با همه فضایل و برتری های آن کوچک می شمارند و این عظیم را در دست کوچک خود، ناچیز می پندارند .

من اعطاه الله القرآن، فرأى أن أحداً أعطى شيئاً أفضل مما أعطى، فقد صغر عظيمًا و عظم صغيراً . ۲۲

هر کس خدا قرآن به او عطا کند، و چنان تصور کند که به دیگری چیزی برتر از آن عطا شده است، بزرگی را کوچک و کوچکی را بزرگ کرده است .

قرآن کلام خدا

حضرت زین العابدین^(ع) با توجه به سخنان برخی شکاکان و معاندان که به قرآن و کلام خدا نگاهی بشری می اندازند و در آن تردید می کنند، در بخش بعدی این دعا اشاره می کند و

بیان می‌دارد.

اللهم... واجعلنا ممن يعترف بأثمه من عندك حتى لا يعارضنا الشك في تصديقه و
لا يخلجنا الزيع عن قصد طريقه. ۲۳

بعد از درود بر پیامبر عظیم الشان اسلام که دل‌های ما را حامل قرآن قرار داد و عظمت
و شرافت قرآن را به ما شناساند، بر او و اولاد او درود می‌فرستد و سپس به تصدیق کتاب
خدا می‌پردازد:

خداوند!... ما را از کسانی قرار ده که آن را از سوی تو می‌دانند، تا هیچ تردیدی با
تصدیق ما معارضه نکند، و هیچ شبهه‌ای از پیمودن راهش ما را نلغزاند. ۲۴

نجات از شبهه‌ها و تردیدها و دودلی‌ها، درخواست امام سجاده^(ع) در دعای ختم قرآن
است، تا همیشه بر این پیمان استوار بماند و شکی در دل راه نهد.
با تصدیق کتاب خدا و دل سپردن به حقایق آن، انسان از چنگ زندگان به آن
می‌شود، چنانکه امام سجاده^(ع) بر آن اشاره می‌فرماید، تا بتواند در شناخت حق از باطل، به
دژ محکمی پناه جوید و در سایه آن به آرامش دست یابد و راه را از چاه باز شناسد و با
مشعل فروزان و چراغ روشن آن معرفت یابد و بر آن نیز بیفزاید و مهم‌تر آنکه از غیرقرآن
هدایت نجوید و به بی‌راهه نیفتد.

قرآن و منزلگاههای کرامت

اللهم... واجعل القرآن و سيلة لنا إلى اشرف منازل الكرامة، و سلماً نخرج فيه إلى
محل السلامة.

پروردگارا... قرآن را وسیله رسیدن ما به شریف‌ترین منزلگاههای کرامت قرار ده، و
آن را برای ما نردبانی ساز برای بالا رفتن به جایگاه سلامت. ۲۵

یکی از مهم‌ترین صفاتی که برای انسان در زندگی با ارزش و قابل توجه است، کرامت
انسانی است، که قرآن کریم با خطاب: «و لقد كرمنا بني آدم و حملناهم في البرّ و البحر و
رزقناهم من الطيبات و فضلناهم على كثير ممن خلقنا تفضيلاً» (اسراء، ۷۰/۱۷)

کرامت انسان و فضیلت و برتری او را بر سایر مخلوقات به نمایش گذاشته است.
شرافت و کرامتی که با همراهی و همدلی باقرآن عظیم بدست آید، به عظمت این

کتاب خواهد بود، چنانکه کرامت پیامبر (ص) نیز مرهون کرامت قرآن است، زیرا قرآن در او متجلی گشته است و به تعبیر امام خمینی (ره):

رسول خدا (ص) انسان کاملی است که در رأس مخروطه این عالم واقع است. ذات مقدس حق تعالی که غیب است و در عین حال ظاهر است، مستجمع همه کمال به طور غیرمتناهی است در رسول اکرم متجلی است به تمام اسماء و صفات و در قرآن متجلی است به تمام اسماء و صفات. ۲۶

در جای دیگری حضرت امام خمینی (ره) قرآن را معرف رسول گرامی اسلام و جلوه تام حق تعالی می دانند و می فرمایند:

معرف رسول اکرم، قرآن است. همان طور که خود رسول اکرم و حضرت صادق سلام الله علیه و ولی الله اعظم جلوه تام حق تعالی هستند، قرآن هم همان طور است، قرآن هم جلوه تام خدای تعالی است. ۲۷

در این کلام با عظمت و شرافت، به نکات مهمی اشاره شده، از؟؟ تجلی قرآن در رسول خدا (ص)، که با نگاهی، زندگی و منش و روش آن حضرت، که تفسیر کلام خداست، به این مهم دست پیدا خواهیم کرد.

قرآن مایه پاکی و هدایت

امام زین العابدین حضرت سید الساجدین (ع) در ادامه دعای ختم قرآن، پس از درود بر محمد و آل محمد، که به شکرانه عنایات الهی و عرضه قرآن به بشریت، دائماً تکرار می فرماید، به چند نکته دیگر که سرچشمه گرفته از قرآن است، اشاره می نماید.

خداوند با برکت قرآن، بار سنگین گناهان را از دوش ما بردار و خصلت های نیکان را به ما عطا فرما و به راه قاریان نیمه شب قرآن رهنمون گردان تا به پاکی آن، ما نیز پاکیزه گردیم و ما را به راه آنان هدایت فرما که به نور قرآن، روشنی گرفتند و آنان را آرزوها از عمل باز نداشت. ۲۸

گناه، خصلت های زشت و آرزوها و آمال دور و دراز، از جمله چیزهایی است که انسان را از راه حق و هدایت دور می کند و قاریان و عاملان به قرآن باید از این خصلت ها دور باشند. به پاکی قرآن و قاریان پاک دل آن، پاکیزه گردند و در ظلمت و تاریکی های

زندگی، به روشنی دست یابند. و قرآن شریف را وسیله کسب و کار قرار ندهند و اسباب ریا و خودبزرگی بینی را با قرائت قرآن، برای خود فراهم نسازند.

کتاب شفای تن و جلای جان^{۲۹}

امام علی(ع) می فرماید:

ما جالس هذا القرآن أحد الأقام عنه بزيادة أو نقصان. ^{۳۰}
کسی با قرآن ننشست مگر ای نکه پس از جدا شدن با فزونی (در هدایت) یا کاستی (در گمراهی) برخواست.
امام سجاده(ع)، در ادامه دعای ختم قرآن کریم و در تکمیل هدایت یابی به چند نکته اشاره می فرماید، که در واقع آنها مانع هدایت انسان و پاکی جان اوست، زیرا تا جانی پاک و مهیا نباشد، حقایق قرآن در آن جای نمی گیرد. از این رومی فرمایند:

قرآن را در دل شب ها مونس و همراه من قرار ده و آن را در برابر وسوسه های شیطانی و تحریکات او، نگاهبانم گردان. و چنان کن که قرآن قدم های ما را از رفتن به راه گناه نگه دارد. و زبان های ما را از باطل گویی، لال گرداند و اعضا و جوارح ما را از ارتکاب به گناه باز گرداند. و دست مایه های عبرت ها را که به فراموشی سپرده ایم در مقابلمان آشکار ساز، تا توان فهم شگفتی ها و عجائب قرآن و مثل ها و داستان های هشدار دهنده آن را، که کوه ها توان تحملش را نداشتند، به دل هایمان راه یابد. ^{۳۱}

آری امام(ع) در ضمن دعا و با بیان دعا، علل نرسیدن به حقایق قرآن را بیان می دارند، زیرا آن هنگام که زبان و اعضا و جوارح ما دچار وسوسه ها و خواهشهای نفسانی باشد، راهی به سوی قرآن باز نمی گردد. و از عبرت های کتاب الهی، پندی حاصل نمی آید. و انسان آن چنان در منجلاب فرو می رود، که هیچ پند و اندرزی و کلامی همچون قرآن در او اثر نمی گذارد. قرآنی که به تعبیر خود قرآن اگر بر کوه ها نازل می گشت، آن ها را متلاشی می کرد، که در بیان امام سجاده(ع) به این آیه کریمه اشارت رفته است.

«لوانزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعاً متصدعاً من خشية الله و تلك الأمثال نضر بها

للناس لعلمهم يتفكرون» (حشر، ۲۲ / ۲۱)

برای رسیدن به آرامش، که خواسته همه انسان‌ها در زندگی است و آن را مایه طول عمر و سلامت جان می‌شمارند، در حالی که بشر گرفتار هزاران هزار اضطراب و نگرانی است، امام زین العابدین (ع)، در این دعای شریف، به این نکته اشاره دارند و قرآن را مایه آرامش، خشنودی و اصلاح ظاهر و درون انسان می‌دانند و عرضه می‌دارند:

اللهم صل علی محمد وآله و ادم بالقرآن صلاح ظاهرنا و احجب به خطرات
الوساوس عن صحّة ضمائرنا، و اغسل به درن قلوبنا و علائق أوزارنا، و اجمع به
منتشر أمورنا... ۳۲

خدایا بر محمد و آلش درود فرست و پیوسته با قرآن ظاهر ما را اصلاح کن و
وسوسه‌های هجوم‌گر را از زیان‌رسانی به سلامت باطن ما بازدار، و زنگار دل‌ها
و دلبستگی‌های دنیوی ما را به وسیله قرآن بشوی، و کارهای پراکنده و
پریشانی‌هایمان را بدان سامان ده.

آن‌چه بشریت دائماً از آن رنج می‌برد و مردمان روز و شب به دنبال آن می‌گردند و بدان
نمی‌رسند دنیا و اصلاح امور دنیایی است و امام (ع) در این بخش از دعای عظیم الشان
ختم قرآن همه آنها را با قرآن درمان می‌کند و قابل درمان می‌داند. و در نهایت به هراس
بزرگ قیامت و تشنگی و خستگی‌های آن اشاره می‌کند، که این انسان درمانده در دنیا، در
آخرت گرفتار خواهد بود، اگر قرآن پوشش ایمن و مناسب او در قیامت نباشد.

قرآن و زندگی

قرآن کتاب زندگی و زندگان است. قرآن برای حیات بخشی جاویدان بر بشر نازل
شده است و او را به حیات دعوت می‌کند:

«یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم...» (انفال، ۲۴/۸) حیات
قرآنی یافتن، نیازمند توجه به آموزه‌های قرآنی است، که امام سجاد (ع) در سه بخش بعدی
این دعا به ابعاد مختلف زندگی بشر توجه کرده و خواسته‌ها و خواهش‌های خود را، با
خداوند جلیل در میان نهاده است.

نیازمندی‌های مادی، زندگی فراخ و پرروزی، صفات پسندیده و اخلاق خوش و
نیکو، دوری از اخلاق پست نفاق و کفر و مانند آن، فرو غلتیدن در سیاهی دو رنگی و در

نتیجه تجاوز به حدود دیگران و برانگیختن خشم الهی، و در نهایت رنج مرگ و جان کندن با این حال که جان انسان به شمارش می افتد و وحشت تمام وجود انسان را فرا می گیرد، که برخی، که زمان رفتن فرا رسیده است، همه در بیان شیرین و شیوای امام (ع) به صورت خواسته و دعا بیان شده است، تا به برکت قرآن زندگی و حیاتی پرمایه و برکتی نصیب انسان گردد: خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و به برکت قرآن فقر و نیازمندی و بینوایی ما را جبران فرما، وزندگان خوش، همراه با فراوانی نعمت و گستردگی روزی نصیب فرما.

به برکت کتاب خدا، ما را از صفات ناپسند و پست دورکن، و از غلتیدن در مغاک کفر و انگیزه های نفاق نگاه دار. تا در روز واپسین و به هنگام مرگ راهنمای بهشت و خشنودیت باشد. به برکت قرآن رنج مرگ را در هنگام جان کندن بر ما آسان گردان. آیا در این هنگامه عظیم شفا دهنده ای هست؟ هنگامی که فرشته مرگ به سراغ ما آمده و رفتن به سرای دیگر نزدیک شده است، و گورها جایگاه همیشگی ما شده است؟^{۳۳}

آنگاه که انسان در جایگاه ابدی قرار می گیرد، که دیگر هیچ راه بازگشتی ندارد، آنچه را که از عمل با خود همراه کرده است، به فریاد او خواهد رسید.

امام سجاده (ع) در این بخش از دعا که نتیجه گیری از زندگی همراه با قرآن است، به یادآوری مرگ و حالات پس از آن می پردازد و بعد از درود بر محمد و آلش، از خداوند بزرگ، مبارکی ورود به سرای باقی را طلب می کند:

و بارک لنا فی حلول دار البلی و طول المقامة بین اطباق الثری، و اجعل القبور
بعد فراق الدنیا خیر منازلنا...^{۳۴}

راستی بعد از ختم قرآن، چرا امام سجاده (ع)، بعد از آن همه دعا و طلب خیر و کمک و یاری از قرآن، یکباره به قیامت و حالات و احوال آن می پردازد و بخش زیادی از این دعای کوتاه و پرمحتوا را به آن اختصاص می دهد؟ آیا جز به خاطر عظمت و بزرگی آن است؟ آیا جز برای سختی ها و مشکلات آنست؟ جز برای جاودانگی و ابدیت آنست؟ در این قسمت دعا و تقریبا تا آخر دعا، تمام حالات انسان پس از مرگ ترسیم می شود و به خصوصیات قبر و قیامت اشاره می گردد:

خانه نمناک و درنگ طولانی در لایه های خاک، آرامگاه ابدی و چشم داشت به رحمت خداوند، حضور در صحرای قیامت و دریافت کارنامه اعمال و رسوایی در مقابل دیگران، و سپس طلب رحمت به برکت قرآن، گام های لرزان و طلب استواری از قرآن، سرای حساب و عالم پهراس قیامت و ایمنی طلبی با قرآن، طلب سفیدرویی، در روز سیاهی چهره ستمکاران و ظالمان و پایمال کنندگان حقوق محرومان و بیچارگان! و بیض و جوهنا یوم تسود وجوه الظلمة فی یوم الحسرة و الندامة .

خدایا بدینسان که پناهی جز تو نداریم! واجعل لنا فی صدور المؤمنین وداً، و لاتجعل الحیاة علینا نکدا . ۳۵

در دل های مومنان، محبت و دوستی ما را بیفکن و زندگانی ما را به رنج و سختی آمیخته مگردان .

این چه رنجی و چه دوستی است که امام (ع) بدان اشاره می کنند . تا محبتی به انسانهای مؤمن و پاک و بندگان خدا در زمین نباشد، چه توقعی برای محبت آنان و در نتیجه توجه خداوند وجود دارد . و تا رنج و محنت دیگران را نخواستن، در وجود انسان آشکار نگردد و اهتمام به امور مردم در انسان تجلی نیابد، چگونه می شود از خداوند متعال زندگی راحت را طلب کرد . این همه انسانهای محروم و بیچاره و گرفتار ظلم و ستم در کنار انسان باشند و خوابی راحتی چشمان ما را فرا گیرد، آنگاه از خداوند متعال توقع زندگی بی رنج نماییم !!!

سپاس از پیام آور قرآن

اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک کما بلغ رسالتک، و صدع بأمرک و نصح لعبادک؛ ۳۶

خدایا بر محمد بنده و رسالت درود فرست، به پاس آنکه پیام تو را به مردمان رسانید و فرمان تو را با صدای بلند و رسا، آشکار کرد و ناصح بندگان تو بود .

سپس امام سجاد (ع) برای پیامبر اکرم (ص) دعا می نماید و با زبان دعا، به آن مردم ناسپاس می فهماند که پیامبر خدا برای شما چه کرد و چگونه باب رحمت الهی بود و شما ناسپاسان بر او و فرزندان و اهل بیت او چه روا داشتید .

خدایا مقام پیامبر ما را در قیامت از همه پیامبران نزدیک تر به خود گردان و شفاعتش را پذیرفته تر و جاه و مقامش و منزلتش از همه فزون تر فرما. ۳۷

اکنون که امام (ع) در تنگنای فشار بنی امیه قرار گرفته و راهی جز دعا برای بیان حقایق دین نیافته است، درحالی که یزید به خیال خود، در پی بازگرداندن مردم به دوران جاهلیت بود و به فراموشی سپردن قرآن و پیامبر، حضرت چنین دعا می کند:

اللهم صل علی محمد و آل محمد، و شرف بنیانه، و عظم برهانه، و ثقل میزانه و تقبل شفاعته، و قرب وسیلته، و بیض وجهه و اتم نوره، و ارفع درجته و احنینا علی سنته... ۳۸

خدایا بر محمد و آلش درود فرست، بنای دین او را استوارتر از همیشه، قرآن را عظیم تر، حسناتش را سنگین تر، و او را نزد خویش رو سپید گردان و نورش را به کمال برسان و مرتبه اش را تعالی بخش و ما را بر دینش زنده بدار و از پیروانش قرار ده... .

آری نباید این چراغ خاموش شود، احیای قرآن و سنت نبوی و استواری برآن، باید پایدار بماند تا به کتاب خدا عمل شود.

در پایان دعا نیز با تاکید فراوان بر وجود پربرکت پیامبر و رسالت عظیمی که بر دوش داشت و آن را به خوبی ابلاغ کرد، پای می فشارد و برای آن حضرت دعا می کند که خداوند او را پاداش ده، نیکوترین پاداشی که به مقربان و برگزیده گان درگاهت داده ای: و السلام علیه و علی آله الطیبین الطاهرین و رحمة الله و برکاته. ۳۹

۱. معالم العلماء/ ۱۲۵ .
۲. بحارالانوار، ۱۱۰/ ۶۱؛ رياض السالكين، مقدمه كتاب، ص ۵۱ .
۳. تاريخ تمدن اسلامى، ۴/ ۷۹؛ تاريخ الخلفاء، ص ۲۱۷ .
۴. زندگانی علی بن الحسین (ع)/ ۱۰۳ .
۵. كشف الغمه، ۲/ ۲۸۵-۲۸۶ .
۶. تاريخ يعقوبى، ۲/ ۳۰۳ .
۷. شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد، ۱۵/ ۲۷۴ .
۸. طبقات الكبرى، ۵/ ۲۲۲ .
۹. ارشاد مفيد/ ۱۴۸ .
۱۰. رياض السالكين/ ۳ .
۱۱. بحارالأنوار، ۱۰۷/ ۴۵ .
۱۲. همان .
۱۳. همان، ۴۶/ ۲۰۰ .
۱۴. صحيفه امام، ۲۱/ ۲۱۱- ۲۱۰ .
۱۵. رياض السالكين، ص ۲۶۷ .
۱۶. صحيفه سجاديه، دعای ۴۲ .
۱۷. برگرفته از كتاب الحياه، ۲/ ۱۱۵ .
۱۸. صحيفه سجاديه، دعای ۴۲ .
۱۹. الحياه، ۲/ ۲۱۴ .
۲۰. صحيفه سجاديه، دعای ۴۲ .
۲۱. بحارالانوار، ۱۹/ ۹۲ .
۲۲. الحياه، ۲/ ۲۲۷؛ به نقل از كافي، ۲/ ۶۰۵ .
۲۳. صحيفه سجاديه، دعای ۴۲ .
۲۴. صحيفه سجاديه، ترجمه محمود صلواتى/ ۲۰۱ .
۲۵. الحياه، ۲/ ۲۹۴ .
۲۶. صحيفه امام، ۱۲/ ۴۲۱ .
۲۷. همان، ۲۰/ ۴۰۸ .
۲۸. صحيفه سجاديه، دعای ۴۲ .
۲۹. الحياه، ۲/ ۱۴۸ .
۳۰. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶ .
۳۱. صحيفه سجاديه، دعای ۴۲ .
۳۲. همان .
۳۳. همان .
۳۴. همان .
۳۵. همان .
۳۶. همان .
۳۷. همان .
۳۸. همان .
۳۹. همان .